Anees of 16th January, 1946

مدیر و صاحب امتیاز: م، عثمان صدقی

انیس

ماز یکرنی ملی و رخ پاڼه

آدرس: جاده سپه سالار (کوتی لندنی) کابل

شمارهٔ (۲۴۴) چهار شنبه (۲۶) جدی ۱۳۲۴ش (۱۳) صفر ۱۳۶۵ق سال نزدهم (۱۶) جنوری ۱۹۴۶ع نمرهٔ مسلسل (۲۳۰۲) قیمت یك شماره ۲۰ پول

(1) مخابره تلگرام جوابیه

اعلیحضرت محمد ظاهرشاه پادشاه افغانستان - کابل!

تهنیت اعلیحضرت شما را بمناسبت سالگره جلوسم با شادمانی گرفته باتشکرات صمیمانهٔ خویش آرزوهای خودرا جهت صحت اعلیحضرت شماورفاه وسعادت ملت کریم‌شان اظهار میدارم.

(عبدالعزیز)

(2) مجلس درمستوفیت هرات

هرات، روز ۹ جدی مجلسی بشمول مستوفی ومعاون دافغانستان بانك درمستوفیت منعقد وراجع به ارتباط امورخزانهٔ مستوفیت هرات ونمایندگی دافغانستان بانك مذاکره بعمل آمد.

(3) تلفات

قندهار، بیرون دروازهٔ نوبغانه دراثر غلطیدن یکی ازاطاق های ایارتمان جدیداز اثرآب باران سه نفر مرد ویکنفرزن هلاك شده اند.

(4) ورود رئیس هیئت کنترول به بوداپست

بودایست: به ۱۴ جنوری مارشال وار شیلوف رئیس مجلس کنترول متحدین درهنگری به بودایست وارد گردید.

(5) نمایندهٔ ایران در اسامبله عمومی

لندن، دیروز سیدحسین تقی‌زاده رئیس هیئت ایران دراسامبلهٔ عمومی اظهارداشت ایران حق دارد که مسئلهٔ ایران رابمقام صلاحیت‌دار اسامبلهٔ اقوام متحده رویت دهد.

تقی‌زاده علاوه کرد که ایران تاآخراز شامل ساختن مسئلهٔ ایران درموضوعات بحث اسامبله امتناع ورزید اماچون وضعیت ایران تشویش‌انگیز است لذااووظیفهٔ خویش میداند که به اسامبله اعلام نماید که اگرمسئلهٔ ایران زودی حل نگردد ایران حق خواهد داشت که آنرا به اسامبله رویت دهد.

(6) اتحاد تجاویز برعلیه افتتاح شیون

سیسلی

روم، کمشنراعلای ایطالیا در سیسلی اظهارداشت که برعلیهٔ دزدان تجاویزلازمه گرفته شده است.

(7) چیزی که هتلر بعداز آغاز جنگ

به سفیرجاپان مقیم برلین گفته بود

نورمبرگ، دیروز درمحاکمهٔ نورمبرگ اظهارشد که بزودی بعداز آغاز جنگ هتلر به اوشیما سفیر کبیر جاپان مقیم برلین اظهار داشته بود که آلمان ۲۴ تحت‌البحری را درسواحل اتازونی بکارخواهدانداخت تاسفائن اتازونی را بدون اخطارغرق نماید، اوشیما پلان مذکور را تصویب وعلاوه کرد که جاپان همچنین خواهد کرد.

(8) اتمام کار هیئت غور برمسئلهٔ یهود

درواشنگتن

واشنگتن، هیئت مختلط انگلستان واتازونی در خصوص یهودوفلسطین قسمت کاری را که بایست درواشنگتن انجام داده میشد انجام دادند.

(9) ادامهٔ دورهٔ هیئت پارلمانی

انگلستان درهند

پشاور، دیروز هفت نفر عضو هیئت پارلمانی انگلستان دردعوتی که ازطرف عبدالقیوم خان ترتیب داده‌شده بود بازعمای مسلم لیك ملاقات کردند.

امروز سه نفر ازاعضای هیئت مذکور به لاهور روانه خواهند گردید.

(10) ورود چرچل به نیویارك

نیویارك، دیشب چرچل با خانم خود به نیویارك وارد گردید.

قبول متن بیانیه بیون ازطرف

کابینهٔ انگلستان

انگلستان ممالك تحت قیمومت خودرازبرقیه‌ومت بین‌الملل خواهد گذاشت

لندن، دیروز کابینهٔ انگلستان متن نطقی‌را که ارنست بیون صبح پنجشنبه درحضوراسامبله ایراد خواهد کرد تصویب نمود. عقیده‌دارند که ارنست بیون درنطق خویش اظهارخواهد کرد که انگلستان میخواهد علاقه هائی‌را که قرارفیصلهٔ جامعهٔ ملل سابق زیرانتداب ونظام مندانوری خود گرفته بود به نظام قیمومت اقوام متحده درآورد.

(12) جنرال قونسل اتازونی وعدهٔ کمك

به حکومت آذربایجان نداده است

تهران - سفارت اتازونی مقیم تهران اعلام نموده که جنرال قونسل اتازونی درآذربایجان این بیانیهٔ رادیومسکو را که جنرال قونسل مذکوروعدهٔ کمك به حکومت ملی آذربایجان داده تکذیب نموده است.

(15) طبیب هتلر سه ماه قبل انتحار کرده است

نورمبرگ، اکنون اعلام گردیده که سه ماه قبل براین (لوناردو کونتی) دکتورهتلر خودکشی نموده بود.

(16) شرکت ویشنسکی درجلسهٔ

کمیتهٔ ضمانت

لندن، عقیده دارند که فردا عصر مجلس ضمانت جلسه خواهد کرد، ویشنسکی معین وزارت خارجه اتحاد شوروی بوقت مناسبی به لندن وارد خواهد گردید ودر جلسهٔ مجلس ضمانت شرکت خواهد نمود.

(17) چرچل وعهدهٔ سرمنشی

جامعهٔ ملل

نیویارك - وقتی‌از چرچل استفسار شد که آیااوجنرال سکرتر (منشی‌عمومی) اقوام موسسه متحده خواهد شد یانه؟ درجواب اظهارداشت که باراول است همچه سخن‌را میشنود هنوز درخصوص آن غور نکرده است.

(18) امریش سفرای خودرا نزدد ول

چهارگانهٔ بزرگ معرفی میکند

وپاناء حکومت استریا فیصله کرده که بدول چهارگانهٔ بزرگ که قوای اشغال کنندهٔ آنها دراستریاوجوددارند سفرای خودرا تعین نماید.

(19) غور بر توسعهٔ حکومت چین

حکومت چین میخواهد مجلس اجرائیهٔ خودرا از ۳۶ به ۴۸ عضو توسعه دهد که تمام احزاب در آن شامل شده بتوانند

چونکنگ، اسامبلهٔ مشاورتی چین فعلا بر مسئلهٔ توسعهٔ حکومت چین غور مینماید روز دوشنبه وانگ‌شی‌چی وزیرخارجهٔ چین اظهارداشت که حکومت اراده دارد که مجلس اجرائیه‌را از سی وشش عضو به ۴۸ عضو توسعه دهد.

(20) استعفای وزیر داخله

اتحاد شوروی

لندن، رادیو مسکو اعلام نمود که بریا کبیار امور داخلهٔ اتحادشوروی دست از کار کشید وعوض او (کروگلوف) کبیار امور داخلی مقرر گردید.

(21) عزیمت سفیر کبیر انگلستان ازمسکو

بطرف لندن

لندن، درین نزدیکی ارچیبالد کلارك کار سفیر کبیر انگلستان که اخیرا از (بخارست) به مسکو وارد گردیده به لندن روانه خواهد شد.

(22) منع زر و داموال یهود فلسطین به مصر

قاهره، وزیرمالیهٔ مصر درپارلمان آن مملکت گفت که حکومت مصر اراده دارد که تورید اموال یهود را از فلسطین به مصر ممنوع قرار دهد.

(23) گواتی مالا هاندوراس را می‌خواهد

لندن، حکومت انگلستان قضیهٔ گواتی مالا را که ادعا مینماید هاندوراس از گواتی مالا بوده وباید بان مسترد شود بمجلس عدل بین‌الملل که ازطرف مؤسسهٔ اقوام متحده تشکیل خواهد گردید رویت خواهد داد.

(24) استنافه به کمشنراعلای فلسطین

بیت‌المقدس، یهود فلسطین به ایلن کنگم کمشنراعلای فلسطین استنافه نموده اند که چرا هجرت یهود به فلسطین معطل شده است.

(25) تصحیح

متاسفانه درمقاله (مملکت‌ما) منتشره دیروز بعضی کلمات غلط‌چاپ شده لطفاً تصحیح فرمائید.

ستون	سطر	غلط	صحیح
اول	۲۳	اشخاص یااینطور	اشخاص مااینطور
	۴۵	تولید	توحید
	۴۸	آسئین‌سویادفاع	آئین ویادفاع
دوم	۱۹	وایفای	وایفای عهد
	۲۲	بوعد هر کس	بوعد خود بهر کس
	۲۵	اکه	راکه
	۵۱	جوادث	توارث

(26) درخواست شرق الهند از موسسه

اقوام متحده. شرق الهند خودرا به فیصله‌هائی که بی حضور نمایندگانش راجع به آن بعمل آمده باشد مقید نمی‌داند

باتاویا، داکترشهریارا ظهار کردشرق الهند خودرا بقراردادی مجبور نخواهد دانست که درمذاکرهٔ آن نمایندهٔ شرق الهند شرکت نورزیده باشدشهریار از اسامبلهٔ اقوام متحده درخواست نمود که باید مسئلهٔ شرق الهند راحل نماید.

بناغلی فیروز

از وقایع مهم جهان

(26) گذارشات اسامبله ملل متحده

از آنجا که اسامبلهٔ ملل متحده دراندن اجتماع بی سابقهٔ ازطرف بشر جهت تاسیس یك موسسهٔ حافظ صلح میباشد بنابران اگر تمام ناشده هم شمهٔ ازواقعات آنرا اجمالاً ازنظر خوانندگان گرام گذارش دهیم بیجا نخواهد بود وبر معلومات شان خواهد افزود. بعداز آنکه مهمانان درقصرسینت جیمز درضیافت رسمی شاه انگلستان حصه گرفته وبیانیهٔ مختصروی رادرخصوص اهمیت اسامبله واهمیت وقیمت وظیفهٔ که پیش‌رو دارند استماع نمودند به‌هال مرکزی ویست‌منستر بااعضای دیگر اسامبله پیوستند. (باید ناگفته نگذاشت که در مهمانی شاه انگلستان صرف روسای هیئت‌های ممالك مشمول اسامبلهٔ عمومی شرکت جسته بودند. تعداد تمام‌مهمانان شاه انگلستان بشمول اعضای کابینهٔ آن مملکت ازصدنفر متجاوز نمیشد) از ساعت ۸:۴۵ بعد از ظهر روزپنجشنبهٔ گذشته مراسم افتتاح اسامبله شروع شد ورئیس موقتی اسامبله که از کولمبیاست درضمن بیانیهٔ مختصری اسامبله را افتتاح نمود ودرست ساعت ۹ بود که اتلی جهت ایراد بیانیه برخاست. نطقی‌را که اتلی اشعار کرد درنظرنویسنده یکی ازبیانیه های مهم ودرخور شان همچو یك موقع مهم و بی سابقه میباشد. ازبیانیهٔ اتلی چند چیز واضح شد:

۱- منشورسان فرانسسکو اساس عمدهٔ اجراآت موسسهٔ اقوام متحده می‌باشد. ۲- متحدین کوشش میکنند که ازمحاربهٔ سوم بهرقیمتی شود جلوگیری کنند. ۳- صلحی که متحدین آنرا حفاظت میکنند به‌اساس عدالت پایدار باشد. ۴- در آن صلح نظم دنیا روی یك نوع «حکومت دنیا» متکی باشد اما درآن نظام آزادی حکومات هر مملکت منفرداً ودرهر مملکت آزادی فردی محترم ومعتبر شناخته خواهدشد. البته درحکومات مدیر افراد قانون ملی ودرتنظیم «حکومت دنیا» بصورت مجموعی قانون بین المللی در طرز اجتماعات خارجی مدیرحکومات خواهد بود. ۵- موسسهٔ اقوام متحده طرحی خواهد ریخت وآن راجهت اجرا مراقبت خواهد کرد که درتمام حصص دنیااحتیاج هرفرداعم ازرنگ ونسل ونژادرفع‌شود تااحتیاج معاون‌متعرضین وغاصبین نه‌شده‌باشد. بنابران موسسهٔ صلح بهبودی دنیارا مربوط به بهبودی حال افراد میداند ونظارت میکند که حوائج هر مرد زن، طفل درهرگوشهٔ دنیا آماده شود. ۶- کنترول بم آتوم دراختیاریك کمیتهٔ مخصوص موسسهٔ متحدین گذاشته میشود ونیز تدابیری اتخاذ میگردد که انرژی اتم خادم نوع بشر بشود. ۷- قوای کافی در دست موسسهٔ صلح میباشد که هروقت بصورت اکل به‌سرکوبی متعرض ومخل صلح پرداخته بتواند.

به‌عقیدهٔ اتلی که رئیس حزب کارگر هم‌است، صورت اتحادیه های کار گربهتر بین نموده حصول نتیجهٔ کامیاب بعدازیك سلسلهٔ اقدامی برعلیه بدبینان ویسی‌مست‌های می‌باشد. پیش اتلی صبوری وفداکاری بهترین سجیهٔ بشر است.

بهر حال بعد از آنکه اتلی بر بیانیهٔ خود خاتمه داد مجلس به انتخاب اولین رئیس اسامبله پرداختند وحسب پیشنهاد روسیه‌واکثریت آراء سیاك وزیرخارجهٔ بازیك رابدان کرگماشتند. سیاك بعداز آنکه‌از اهل مجلس به‌نسبت تقررش بریاست ابرازشکران نمود اظهار داشت که همه باید فکری بسنجند که عالم بشریت باز مواجه به‌تباهی قطعی نه شده باشد وگفت که بر دو هزار نمایندهای این‌مجلس است که خود را از اهل مملکت تصور نکنند وهر که مصالح مملکت خودرا علیحده علیحده مدنظر قرار ندهند بلکه همه خودرا ازین‌مجلس بدانند و برای نوع بشر خدمت کنند. در صورت دومی میشود فکری برای‌صلح ورفاه بشریت نمود و درصورت اولی غیرازینکه بشررا به محاربهٔ دیگر بکشند وتباه سازند گریزی نخواهند داشت. سیاك دراخیر بیانیهٔ خویش اظهار داشت که‌ملل متحده محاربه رابردند اما ازبزیر بارآن افکار وزخمی‌بدرشده‌اند. متحدین انعام قربانی ها وفداکاریهای خودرا میخواهند وآن انعام عبارت‌ازصلح عادلانه وبادوام می‌باشد. بعدهامجلس شروع به ارائهٔ پیش نهادات ومباحثه برآن نمودند. ازطرف تبو در گوسف نائب رئیس هیئت روسیه (زیراویشنسکی رئیس اصلی‌هیئت هنوز به‌لندن نرسیده) پیشنهاد شد که انتخاب اعضای غیر دایمی کمیتهٔ ضمانت به‌تعویق بیفتد تاممالکی‌ازقبیل روسیه‌وغیره‌خوبتربرموضوع غور نموده بتوانند اما از طرف برنزوبیون مخالفت‌شدوبیون جداً اظهار داشت که‌اسامبلهٔ عمومی باید مثل یك اسامبلهٔ کار کندوروی پلان‌مطرحه‌حرکت نماید. سپس رای گرفتندوبه‌اکثریت ۳۹ رای فیصله کردند که انتخابات مذکور شروع شود واعضای غیردایمی کمیتهٔ مذکوررا ازمصر، پولند، استریلیا، برازیل وچند مملکت دیگر برگزیدند. قرار معلوم اعضای مذکور دو دو سال ویك یك سال عضو کمیتهٔ مذکور خواهند بود. دراثر آن داکتر ایوات‌وزیر امور خارجهٔ استریلیا اگرچه‌اظهارامتنان نمود که استریلیارا بعضویت کمیتهٔ ضمانت به چیت نمایندهٔ حوزهٔ جنوب غرب بحرالکاهل مفتخر ساخته اند اما شکایت نمود که چرا که نادا رادرآن کمیته چوکی نداده اند و چرا از دومی نیون های فیلمر و برطانیه صرف یك دومی نیون رالایق شمول درکمیتهٔ مذکور دیده‌اند وبس. از طرف‌فلی‌پاین پیش نهادشد که بایدیك کنفرانس بین‌المللی مطبوعاتی تشکیل گردد تامطبوعات تمام دنیارا زیر تحقیق عمیق بگیرند که کاملا آزاد باشدواسامبلهٔ عمومی‌قبول کرد که‌پیشنهاد مذکوررامورد غور قرار دهند. رچرپسن یکی ازاعضای هیئت امریکادرجملهٔ مسایل مربوط بممالك بیطرف اظهار داشت که افغانستان بیطرفی کامل را درمحاربه‌حفظ کرد که‌باید از آن مملکت اظهار امتنان بشود زیرا آیرلند باوجودیکه بیطرف‌بود ایجنت‌های محور را درخود جای‌داده بودو ارجنتاین درحالیکه خودرا بیطرف‌اعلان‌نموده‌بودمرکز فعالیت عناصر شده بود. ازطرف‌انگلستان پیش نهاد شد که‌بایدبه‌انرا کمك کامل بشود ومسئله مورد غور قرار یافت. هجده عضو برای کمیتهٔ اقتصادی واجتماعی مقرر کردند بر عضو هجدهم آن مذاکره بسیار شد و بالاخره ازبین نیوزیلند و یوگوسلاویا اخیر الذکر راانتخاب کردند زیرانیوزیلند داوطلبانه خودرا از میدان عقب کشید. درکمیتهٔ عمومی گفتند ممالك کوچك اکثریت دارد. آیزن‌ها وررا برای سکرتری‌جنرال موسسهٔ صلح نام‌بردند زیرا گفتندعهدهٔ مذکور حاوی اهمیت زیادمی‌باشد وبنابران بایدیك جنرال بزرگی عهده‌دارآن باشد. امابرتراز طرف آیزن هاوراظهارداشت که‌نامبرد گفته پست موجودهٔ خود راترك نمیدهد ازطرف مجلس اصرارشد که‌غیر ازجنرال آیزن‌هاور کسی دیگرمناسب این ماموریت نمی‌باشدواز آنرولا بدوی‌رابهمررنگی‌شودجهت‌متقبل شدن

(بقیه درصفحهٔ ۴)

از کامن سنس — ترجمهٔ دنباغلی ع ل

(27)

چگونه میتوان

از

یك جنگ دیگر احتراز نمود

-۲-

بعلت انحصار بم اتومیك یك جنگ بین روسیه ودیموکراسی های غربی محتملاً بیك فتح نهایت سریع اخیر الذکر منجر ومنتهی خواهد شد، ولی اگر جنگ برای یك چند سال بتعویق افتاد تساوی زیاد تری موجود خواهد شد، هرچیز دارای قیمت وارزش درسرتاسر دنیا منهدم گردیده وشاید حکومت دارای تشکیلات دیگر وجود نخواهد داشت رجال علم ولابراتوارهای فریك اماجها وهدف های یکه واولی را تشکیل داده ودر انجام شاید هیچکس که بم های اتومیك را بسازد ویا کدام اسلحهٔ علمی را وجود بیاورد باقی نخواهد ماند شاید تایك چند قرنی موقع دم زدن ونفس کشیدن را درسایهٔ یك حیات شبیه به بار برزم وامنیت نسبی بیابیم ولی محققاً به آن نوع دنیائی که از طرف وال ستریت یا کمونیست ها آرزو میشود نخواهیم رسید زیرا هردو به فرض نمودن ولازم ساختن یك تشکیل اقتصادی خیلی ها پیچیده اتفاق کرده اند.

تا این جا شاید این بحث بحیث یك بحث واستدلال برای یك جنگ فوری برعلیه روسیه تلقی ودیده شود ولی باین نتیجه صرف در صورتی رسیده میتوانیم که از بعضی حقایق ومسلمات مهم صرف نظر وچشم پوشی کنیم یعنی بعضی حقایق را ازقلم انداخته ودربالای آن خط خلان بکشیم، درفقدان یك کاسوس بلی که اخلاقاً معتبر وصحیح باشد نه امریکائیها ونه برطانویها راضی خواهند بود که درانجام یك حرب طولانی و خسته کننده دفعتاً خودرا باتش یك جنگ دیگری که برای آن ایشان ضرورتی هم نه بینند، پرتاب کنند. دروقت گذشته این قصد و کوشش بعمل آمد ولی ناکام شد وبا این آن قصد مذکور بازناکام خواهد شد.

معهذا دیموکراسی های غربی دراستعمال نمودن طاقت ونیروی موقتی خود برای تعدیل نمودن یك سیستمی که دیگر ازجنگ و محاربه جلوگیری کرده بتواند حق بجانب خواهند بود خوب است اول باول بصورت مجرد خیال وتصور کنیم که چنین یك سیستم از چه نوع خواهد بود.

بصورت ایدیالی یا ازروی تصور وخیال یك سیستم که جنگ ذریعهٔ آن جلوگیری شده بتواند بحیث اولین شرط وجود یك اردو، یك بحریه ویك قوهٔ هوائی جداگانه ازقوای کوچك پولیس محلی را که دارای اسلحهٔ پست ومعمولی میباشد لازم داشته میباشند. این وحدت وتمرکز قوای مسلحه ضرور باید در تحت هدایت وامر پولیتیکی واحدی وبرای اینکه در مقابل شورش وفتنه مامون ومصون باشد بقدر کافی قوی باشد. تا آنوقتی که ما جنگ را صرف برای مانع شدن جنگ، خیال وتصور کنیم نه برای کدام مقصد وآرزوی دیگر فرق نمیکند خواه قوهٔ واحدهٔ مسلحه از یك ملت ویا از یك اتحاد ملل و یا از یك فدریشن آفاقی متشکل باشد، فقط یگانگی ووحدت آن است که برای اینکه آن قوه را ضامن وگارنتی صلح بگرداند ضرور شناخته میشود.

شاید گفته شود که اگر این قوه ناانصاف وظالم باشد تا کم خواهد ماند زیرا در آنصورت انقلاب را تحریك خواهد کرد ولی هریك ترقی وانکشاف در اسلحه این نظریه را کمتر صحیح ثابت نموده است چنانچه بم اتومیك غلطی واشتباه نظریهٔ مذکور را تکمیل کرده، لهذا یك قوهٔ مسلح در چه اول صرف بوا سطهٔ یك قوهٔ نظیر خود مغلوب شده میتواند نه ذریعهٔ انقلاب.

این اهلیت از برای حکومات یعنی اهلیت بر سر قوه ماندن ولو که غیر محبوب هم باشند اهمیت دیموکراسی را تزئید نموده است زیرا بعضی جائیکه عامل مذکور یعنی دیموکراسی غایب است نمیتوان آنرا ذریعهٔ اضطرابات وآشوب های پولتیکی نوع قرن نزدهم تاسیس وبرقرار نمود.

لهذا این نظریه وبر بسبب ازطرف عقیده مندان ومریدان دیموکراسی که نباید یك قوت در معاملات داخلی یك قوت دیگر مداخله کند یك سهو واشتباه است. بایستی که یك قوهٔ دیگر تاوقت تاسیس وبرقرار نمودن دیموکراسی مداخله کند ولی در غیر اینصورت فقط در جائیکه حفظ و حمایت صلح موضوع باشد مداخله کرده میتواند.

اینك برمیگردیم بموضوع اتوریته وسلطهٔ مافوق ملی، ما مجبوریم درین امنیت و آزادی یکی را انتخاب کنیم. اگر در دنیا بیشتر از یك ملت بادعای سلطهٔ مطلقهٔ خود ادامه میدهد یعنی چند ملتی این ادعا را در سر داشته میباشند دیر یا زود جنگ بوقوع خواهد پیوست و جنگ بعد دوسه سال خاتمه مدنیت را معنی خواهد داد اگر که خاتمهٔ جنس بشر را معنی ندهد.

ولی اگر صرف یك ملت سلطه و قوهٔ مطلقه، راحفظ ودارا میگردد آنوقت دیگر ملل استقلال ملی خود را ضایع میکنند. انتخاب یکی ازین دو شق اجتناب ناپذیر ولابدی بود و حتماً به آن مواجهه خواهند شد.

البته در نظریات امکانات دیگری هم است یعنی آن چیزیکه وقتی مجمع ملل ایجاد شود به آن تشبث و کوشش کرده شود این نقشه اگر بقدری کافی باشد که موثر واقع شود منضمن تسایمی ووا گذاری یکدرجه حق سلطه و حاکمیت ازطرف همه قوا درحق یك فدریشن آفاقی بیطرف وغیر جانب دار میباشد.

ازروی آیدیال وتصور این یك راه حل صحیح است ولی دریرا یك وسیلهٔ غیر ممکن میباشد، نه امریکا ونه روسیه (اگر ازقوت های کوچکتر هم حرفی بمیان نیاوریم) از کنترول ملی استثنائی قوای مسلح خود شان صرف نظر خواهند نمود، آخرین چیزیکه ذریعهٔ موافقت ورضایت حاصل شود بناء و ساختمانهای ضعیف ونازکی است که در سانفرانسسکو به آن موافقت حاصل شده است و این چیز اساساً بحیث یك ضامن درمقابل قوای انهدام کنندهٔ بم اتومیك یك چیز بیفایده و غیر کافی شمرده میشود.

مباحث تربیه

(28)

پسیکولوژی طفل

مترجم دنباغلی ع احمدی

-۲-

درعین زمان طفلیکه در آن خانواده وهمان محیط مکدر امرار حیات مینماید این هویت و گرفتگی را تا آخرین نقطهٔ آن امتصاص میکند، تجسات نایستند محیط واشخاص ما حول اورا بستوه میاورد شور وفریاد میکشاند، یکریه میاورد، وبد خوی میگرداند. در بخصوص طفل هیچ گناه وقباحت ندارد حتی اشخاص سالم بدن ومعمر نیز درین اینطور محیط مکدر بالاخره عصبی میشوند، اینقدر هست که طفل بالطبع برای پذیرفتن این حال نهایت مستعد وخیلی آماده است، قباحت تماماً بمحیط تکیه میکند که مقصد از محیط درینجا عبارت از اشخاصی میباشد که طفل با یشان محشور است و در ماحول او وجود داشته میباشند، باری باید اشخاص ماحول طفل ومنسوبین او بخود فکر بکنند که چرا غلغله وشور میکنند، بترشروئی وعناد چه لزوم حس میشود، آیا باسکون وآرامی صلح وصفا وشطارت زندگی امکان ندارد؟

درموضوع راستی باید بخاطر داشت که در نزد طفل سخنهای خلاف حقیقت نباید تجویز نمود حتی سخنهای خلاف نفس الامر که برایجاب نزاکت اظهار میشود نیز باید قطعاً استعمال نشود. طفل وقتی ببیند که پدر او بشایر مصروفیت خود برای عدم پذیرفتن مهمان خدمتکار را وادار بدروغ میسازد میفهماند که (درخانه نیست) گفته مهمان را رد کند آیا اینطور طفل راستگوئی را یاد خواهد گرفت؟! اگر در عوض این انکار پدر طفل موقعیکه مصروفیت زیاد دارد از قبول مهمان معذرت بخواهد ومهمان نیز اورا سخن بجانب دانسته حتی اگر ممکن باشد آمادگی خود را برای معاونت ایشان اظهار کند برای طفل وتربیه او تا چه اندازه سودمند خواهد شد؟

طفل درین اثنا کی بی حقیقت اینکه بنابر استلزام آداب جمعیت روی کار میبا شد ودروغگوئی فاحش فرق وتمیز کرده میتواند، وقتیکه دید انسان میتواند خلاف حقیقت هم چیزی اظهار بکند دیگر اوهم در مواقعی که خواسته باشد همین طور حرکت میکند ودر نتیجه بجرا ها وسرزنش های بیهوده معروض میگردد، راستی ودرستی دانمی یعنی صداقت در کار و گفتار آنقدر چیزی مشکل ویا ناممکن نیست صرف اینقدر میخواهد که والدین به آن خود را بدرستی مصمم سازند.

آمدیم به معاملهٔ نیك که در تربیهٔ طفل یگانه استناد گاه بشمار رفته میتواند، مراعات دیگران گذارهٔ خوب واطاعت والحاصل همه خصلتهای نیکو که میخواهیم اطفال ما دارای آن باشند همه از معاملهٔ نیکو پیدا میشوند، در روح اطفال حس عدالت به پیمانهٔ وسیعی موجود میباشد. انصافات معاملهٔ نیك را در وجود ایشان بسهولت میتوان تنبیه نمود ونتائج مطبوعی را ازان میتوان بدست آورد.

منسوبین طفل باید در مقابل اطفال خود هیچگاه جنگ وجدل نکنند، اگر بالفرض بجنگ وبرخاش مجبوریت قطعی هم محسوس باشد باید در خارج از اطاق ویا جای بودباش طفل صورت بگیرد، اگر اطفال بعدالت غیر قابل تحول وبیطرفانهٔ والدین خود قانع باشند والدین ایشان باید مطمئن باشند که آنها، هیچگاه بدخوئی نخواهند کرد، انسان خوش خوی بمقابل دیگر ابنای نوع خود بد خوئی نشان داده نمیتواند.

والدین در وقت بیان حکایات وافسانه بخیالی بودن افسانه دیو وپری اطفال خود را دانسته سازند افسانه های عجیب وغریب دیو و پری اطفال را خیلی جلب میکند لاکن فراموش نباید کرد که تصوری بودن این حکایات ضمناً برایشان فهمانده شود، طفل را بتخیل سوق باید داد تا بدانند که او هم چیز های خوبی تخیل کند، ولی او باید وهم پرست نشود ودرین خیال وحقیقت فرق نموده بتواند، مثلاً شما میتوانید که روی میز را دنیا فرض نموده در آن باطفل سیاحت خیال را انجام دهید، از کوه های تصوری عبور نمائید، وادی ها وصحاری را طی کنید، موقعیکه درضمن این سیاحت خیالی بنهری مقابل میشوید جهت عبور از نهر طرز ساختن زورق چه را باو یاد بدهید، طفل درینوقت فکر میکند، دستش بفعالیت میاید زورقچهٔ کاغذی بوجود میاید، بادبان نصب نموده از نهر عبور میکنید، بااین صورت هم مخیله طفل بکار میافتد، وهم راه چاره سنجی را در مقابل بروز موانع یاد میگیرد برای فکر ایجاد که در حیات انسان وجود آن نهایت لازم وضرور تشخیص شده است موقع داده میشود، بر علاوه طفل با ینوسیله مسبوق میگردد که انسان درطول حیات خود گاهی بموانع ومشکلات هم دچار میشود، و برای ازاله موانع ورفع عوائق حاصله صفات نیکوی ثبات واقدام دروی تلقین میشود، یعنی یك درس اخلاق راهم ضمناً فرا میگیرد.

نقل هراس های شخصی وافکار باطل بوجود اطفال نیز از معامله درست شمار بده نمیشود در حصول این خوفهای بیجا وباطل افکار بی اساس پدر ومادر طفل هم گناه دارند زیرا که این خوفهای بی مورد وافکار باطل را شخصاً خود آنها حاصل نکرده اند بلکه بید زها ومادر های شان آنرا بوجود آنها تزریق نموده ونقل داده اند پس درصورتیکه خطای این کار چیزی معلوم واضرار آن بکلی ظاهر است، پدرها ومادرها باید این خوفها و این افکار بی حقیقت را بوجود اطفال خود نقل ندهند، وبرای ایجاب این وضعیت هیچ یك لزوم و اسباب موجود نمیبا شد.

فراموش نباید کرد که تنها سها ومناسباتی که ما باطفال داریم محیط هر روزه شان را تشکیل میدهد، وهمین محیط است که در آینده سجیهٔ طفل را بوجود خواهد آورد هر نوع انتباهات و تاثیرات محیطی واحساسات دور وبیش طفل در دماغ او جمع میشود و ازمجموعهٔ آنها بالاخره سجیه بوجود میاید، اطفال برای نیکی وبدی قابلیت زائد الوصفی را دارا میباشند، اما باید گفت که خوبی وبدی اصلاً محصول و نتیجه چیزهائی است که ایوین طفل بدماغ او عرضه میکنند، درعالم تربیه طفل بدتر از اهمال پسیکولوژی اطفال خرکك ناجائزی را نمیتوان سراغ نمود. لهذا هر بدن هر مادر وبالاخره همه کسانی که مسئول تربیه اطفال شناخته میشوند باید این قاعده را قطعاً فراموش نکنند.

صحیات

تاریخچه تب

(30)

ملاریا

-۳-

ترجمه ونگارش دنباغلی رشیدی

این عالم نظر بقول کهراجع بمرض کلاغی بود تقویه داده و گفت که این مرض در انسانها اهمیت بسزائی را دارا است این عالم مجادلهٔ ملاریا را بیك صورت بسیط درآورد وبا تفاق ومساعی برادران خود بیگنیبی وباستانلی وکامت های پاراژیت ملاریای انسان را درمعدهٔ انوفل یافت.

(البورماوشیفاو) کاشف ملاریای ترو پیکا طبیب ایطالوی درسنه ۱۸٤۸-۲۰۳۰ در روما تولد وبه تاریخ ۱۹۳۵ درروما فوت کرد. درسال ۱۸۸۲ در روما پروفیسور تشریح مرضی بود باتفاق بیکنامی عامل ملاریای ترو پیکا را کشف نمود ونیز لوحه مرضی را که عامل تروپیکا بمیدان می آورد (وملاریا استی فو آتو منالیس) نام دارد بکلی از دیگر اشکال وتظاهرات ملاریا تجریبا نمود.

(فرید متریج کاشف انیرین)

نامبرده بتاریخ ۲۸ می سال ۱۸۹٦ در شهر (دریسدن) تولد یافته.

کاشف انیرین هانس موس این شخص بشانزدهم اپریل ۱۹۰۱ در (بارمن) تولد یافته این دوغر کیمیا گران جرمنی درفابریکهٔ مشهور جرمنی (بائرم) ایفای وظیفه میکردند تا اینکه درسال ۱۹۴۰ با شتراك مساعی به اعمال انیرین (دوای برشد ملاریا) موفق شدند.

کاشفین پلاز موکین ور نرشولین طبیب و کیمیا گر جرمنی بتاریخ سال ۱۸۸۸ ورخهٔ چهارم اپریل در شهر نیس به دنیا آمده است، فرنس شونهوفر کیمیا گر جرمنی محل تولد سپیر تاریخ تولد او ۱۸۹۲.

اوگوست ونیکار کیمیا گر جرمنی محل کونستانز تاریخ تولد چهاردهم جون ۱۸۹۸.

این سه شخص فنی درسال ۱۹۲٤ به اعمال پلاز موکین درلابوراتوار فابریکهٔ بایر موفق گردیدند، قبل از حرب عمومی ثانی شولیا در دانشگاه شهر بون پروفیسور فارماکولوژی و مدیر فابریکهٔ بایر بود، و شوهوفر نیز بحیث عضو شعبهٔ علمی لابوراتوار فابریکهٔ بایر اجرای وظیفه می نمود.

روبرت کوخ طبیب جرمنی - بتاریخ ۱۱، ۱۲، ۱۸٤۳ در کلوستال هرتس بدنیا آمده وبتاریخ ۲۷-۵-۱۹۱۰ دربادن- بادن ترك حیات گفت یکی از اطبای مشهور المان است که دربارهٔ امراض مناطق حاره ومحاربهٔ آن تدقیقات مزیدی اجراء نموده است ونیز درساحهٔ امراض مناطق حاره نظریات جدید ومجربی وضع نمود.

والتر کی کوخ اهمیت وقیمت حمای کلاغی (زاغ) را ذکر کرده است.

د ځوانی موسم

(31)

د غنچی پر پاك لښې می زده سوځی چه د بلبلان توله مست او مالیار بیده دی.»

ددې دیاره چه نا دا اوی ځوانی اود ځلمیتوب نوی گل دشهوت اوهوس د بلبلانو وزده ودو نگو نغمو ته تسلیم شی، د فلك په پیرحمی خبره وخلیدی او ټولو ورده دظالم خزان دلاس از پچه وگرزی په دیوخت کی چه د عقل مالیار دغفلت په دراغ خوب بیده د طبیعت له فریزگی او کمهارو بی خبروی ځای لری چه د ځلمیتوب د غنچی پر حال زده سوی ګو کی.

دلامارتین به قول، توله ځوانی جمهوریت اوخپلواکی ده باید انسان په دې لنډ فرصت کی دژوند دخطر لرونکو پیچو سره بګره وکی او دځوانی دهمر خوږ وخت په تلوی او سپیغلتیا تیر کی بیکاره ده چه خو مره پاملرنه اوخار غوادی خو دطبیعت اما نت روغ رمټ له دې نړی خخه تیر شی.

رشتیا چه ځوانی خه عجبه بلاده دا کچنی واله چه دآفرینش به لاس دهمر دلاری پرسر پرې شو یده سپیغلی اورونی او به یکچې بهیږی اما و منی چه د بشریت کاروان تو نه دسلو خخه وی (۹۰) ددغی ولی به خرخاو کی دوب شوی خپلی خو شبخی او سعادت ئی ددې ولی به زده کی پری اینبدی.

دځوانی دورلکه د گل او نسیم عمر لنډ اوزړ تیریدونکی دی، دطبیعت خزانه دار خو نه زر خپلی گرانی ودائع له بنیاد ماتو خخه ترته اخلی، داد مر غلرو لرچه غاښونه نومیږی، دادامل تو نه چه دبیمخوبر شونداتو غلیږی هنه یاقوت چه دهواتانو یادخو گان رنګینه وی دنورو امانتونه دی چه دعاونی به دول ددې او هنه پرشنګ انجنن او سپاره خاوند ته ورکول کیږی.

هو او گوره ژوند به خپل اما نتو نه برته واخلی، دزلفو مشکین سنبل به دخزان به لاس دکافورو به شان سپین شی دژوند منی به دغوانی خروب گلان مرادی او بی رنګ کی.

دزمانی فشار به دسپر به شان قددالنهی به شکل راولی، دغه ځای دی چه بیوزلی به خپل تیرعمریسی غریبه غرگزی پیله ده، آه! له لو گرخخه د خپل ورکی پل غرك نه مومی نوبه د غنی حال کی دویراوغم زنگنونه ئی به غیږ کی نیولی اوپرخپلو تیرو خوش بختیو اوښکی توپوی.

دادوه بیمخی نازولی چه سپوزمی اولمر نومیږی له پخوا دبشر دبی مهرو کتو سکو خخه دی، دوی دآدم (ع) له کورنی سره خه خپانتونه نه دی کړی اودانسان دعمر خه قیمتی جواهرئی به غلا اوولچه نه دی ودی.

دآسمان دستورو ستر گکی پیله غواولو اوتیر ایستلو خخه نورخه نه دی.

اوس هم بیا باید دځوانی ددې فرصته خخه استفاده وکو او پر بیتردوچه دانایید کیدونکی یانگه مو بی فائدې له لاسه ووزی اودا خاطری یوه ورځ زمونږ دسوز اوویر سبب و گرزی اوپا داسی ووا یو.

دمادهغی ورځی وخت ونه بیزندی، اوس ئی بیزنم چه بای می اولی، فلك له ما خخه داسی ورځی تیری کړی، چه هره ورځ ئی دغیرشیوه.» (دنباغلی خواخوزی ترجمه)

---

(29)

داستان انیس

از افسانه های شکسپیر

مترجم، یکی از بانوان فاضله

ایلیریا

-۳-

درین هنگام نقاب را ازروی خود دور کرده گفت اینك این پرده را پس کرده و این تصویر را بشما نشان می دهم، آقا به بین که شکل من چه قسم است. این تصویر خوب رسم نشده؟

ویولا به بسیار دقت وشوق مشاهده نموده، چشم های او قدری بحسد می دید به چهرهٔ که یادار محبوب او آنقدر دوست میداشت. وقتیکه خوب دید دانست که حقیقتاً حسن وجمال بی نظیری بود مگر اندکی متحیر ومتعجب می رسید.

بواسطهٔ که خودش نیز بمفارقت برادر عزیز خود مبتلا بود حس بسیار هم دردی ومحزونیت به قلبش پیدا شده وقتیکه چشم های درخشندهٔ اش به چشم های اولی ویاملاقی شد چنان می نمود که باهم مبادلهٔ پیغام پس مهربانه ومشفقانه میکنند بعد از آن به صمیمیت تمام گفت بسیار اعلی ونهایت بی مثل خلق شده واگر خداوند کریم وقادر اعطف ومهربانی را نیز باین ضم میکرد از این زیاده تر اعلی میشد.

اولی ویا برای اینکه احساس قلبی خود را بپوشاند خنده کرده. گفت

شنیدن سخنان عشق ومحبت از زبان این جوان عجیب وغریب بود! گرچه از عشق دیوك هم بود.

ویولا گفت: به دروازهٔ شما یك خانه کك متحرك میساختم ودیوانه وار نام روح خودرا گرفته فریاد میکردم اولی ویا تازمانیکه آواز من به تپه ها و کوه ها منعکس شده واز آن بلند ترمی شد آنوقت شما درین عنصر آسمان وزمین آرام نگرفته بین رحمی نمودید.

اولی و یا بطرف زمین نگریسته گفت حقیقتاً شما بسیار کار زرگ میکردید بعد از آن دفعتاً بالا نگاه کرده پرسید نسب شما وپدر ومادر شما؟ ویولا ازین سوال اندکی متعجب شده جواب داد بلند تر ازقسمت وما فوق موجودیت من.

باوجود این حالت وضعیت من خوبست، من یك شخص شریف ومهذب میباشم. اولی ویا اندکی توقف نموده پس به اراده وجدیت تمام گفت به نزد آقای خود بروید وبرایش بگوئید که من اورا دوست داشته نمیتوانم. وبرای من دیگر پیغام نفرستد. بغیر ازینکه به آهستگی گفت جز اینکه خودشما بیائید و بمن بگوئید که ازین پیغام من چه حس نمود.

وبسرعت تمام زیاده نبود خدا حافظ، تشکر ازز حمات وتکالیف شما. پس از پهلوی خود یك خریطهٔ مشبك را برآورده گفت این را بخاطر من بگیرید وصرف نمائید. وی اولا بسیار آزردگی گفت خریطهٔ خودرا نگاه دارید، من پوست اجرتی نیستم، بمن ونه بادار من احتیاج پول داریم خدا حافظ. حسین سنگدل وجنبل بی ترحم ایس به نزدش به احترام خم شده و بطرف بیرون ستافت. اولی ویا اورا به نگاههای خود تعقیب کرده وآهسته آهسته زمزمه میکرد، چیست نسبت شما، بلندتر ازقسمت وما فوق موجودیت من باوجود اینهم حالت ووضعیت من خوبست من یك شخص

آقا این حسن ذاتی وجمال فطری است وبسا حوادث ناگوار دیگر را خواهد برداشت دی اولی گفت، بلی این حسن ذاتی وتشنگ قصر نیست که قدرت درنگ سرخ وسفید وتمام زیبائی اش را بدست شاهکارانه وماهرانهٔ خود درست نموده ومرتب کرده است. لیکن خانم، من میدانم که شما چه طبیعت دارید، بلی میدانم، شما بسیار مغرور هستید.

آقای من شمارا بسیار دوست میدارد، مگر بدرجهٔ که اگر شما تاج ملکهٔ حسن دنیا باشید، بازهم آن محبت برای تقدیر حسن شما کافی وآنرا تمجید وتلافی خواهد نمود.

ویولا تمام این سخن ها را بسیار متانت وسنجیده گی ادا نموده وکوشش میکرد که تمام محبت وعشقی را که به دیوك دارد فدائی محبت خود دیوك که باولا دیا داود بنماید. اولی ویا بطرف اودیده پرسید که اومرا چه قدر دوست میدارد زیرا که از اظهارات او کاملاً متیقن گردیده بود که اورا ازمحبت را بسیار میداند اگر چشم های سیاه او از فتنه انگیزی برطرف باشد می زاریو گفت به بر سش وتالمات فراوانی اشك می ریزد.

به آه های مسلسل وآتشین مانند شعلهٔ آتش شرر افشان است وبناله های که تاثیرات زیاد ومخصوص بدلها می افگند.

اولی و یا خود را ازچوکی بلند نموده وخون سردی گفت، آقای تو فکر مرا میداند وجواب خودرا قبل ازین نیز گرفته که اورا دوست ندارم، اگرچه اورا یك شخص شریف ونجیب باشهامت و عزت نفس میدانم فکر باوجود آن هم به او محبت نداشته واورا دوست داشته نمی توانم.

ویولا گفت اگر من پدر چه که آقای من شمارا دوست میدارد دوست می داشتم به این سخنان جانکاهی که ازدهان به اظهار شد عقل وهواس خودرا می یافتم واین رانمی دانستم.

اولی و یا روی خودرا بطرف این جوان جسور گردانیده گفت چرا؟ پس چه میکردید؟

مباحث علمیه

(32)

تربیه و تکامل

ترجمهٔ ښاغلی غلام حسن خان مجددی

تربیه یك حقیقت واقعیست که در هر زمان ومکانی ، در هر عایله ومکتبی وجود دارد امه دارد ویك موجودیت معنویه است که در هر عصری از اعصار تاریخی ودر هر جمعیتی از جمعیات بشری زیست داشته است وتاثیری است که هر کس آنرا خواه خوب باشد وخواه بد از مادر ، پدر ، معلم ومحیط خود فرا گرفته است ، هر فرد ، هر عایله هر مکتب وهر ملت دارای تربیهٔ میباشد ، جمعیت بلا تربیه وجود ندارد .

ساحهٔ مفهوم تربیه خیلی وسعت دارد ، تمام موجودات سیه جهت ادامهٔ حیات خود سعی میورزند واین سعی دایماً در بین محیطی به عمل می آید ، زنبور های عسل دارای خلیه ، حیوانات دارای آشیانه ، و انسانها دارای جمعیتی میباشند ، هر موجود زنده ، جهت ادامهٔ حیاة خود مجبور است به محیط خویش انطباق نماید ، یعنی هر ذیحیات کوشان است که شکل ، حرکت و فعالیت خود را مطابق به کیفیت محیط خود تغیر داده وطوری با محیط تطابق نماید که بتواند موجودیت خویش را حفظ کند .

این عمل تطابق نظر به کیفیت محیط تغیر می پذیرد ، محیط هر قدری که غیر متجانس باشد عمل تطابق نیز همانقدر به تاخیر می انجامد در بین موجودات سیه ، مخلوقی که محیط آن خیلی غیر متجانس است انسان است ، پس تطابق طفل انسان به محیطش نسبت به سایر حیوانات هم مؤخر تر وهم مشکل تر میباشد چه این تطابق در نتیجه تکامل عضوی وروحی امکان می پذیرد که انقضای مدتی را لازم دارد .

این فرق های که از حیث تطابق به محیط در بین حیوانات وانسان وجود دارد در بین انسانهای که در محیطهای مختلفه زیست دارند نیز موجود است چه انطباق به محیط سیط سهل تر از محیط مرکب میباشد .

مدت تربیهٔ انسانها نیز نظر به سویهٔ مدنیت آنها فرق میکند چه جمعیتی که انسان به آن منسوب است هر قدر سیط باشد مدت تربیهٔ او نیز همانقدر کوتاه و اگر هر قدر مرکب باشد زمان تربیهٔ او نیز بهمان نسبت طولانی تر است

مدت تربیه نه تنها نظر به محیط وخلقت انسانها فرق میکند بلکه نظر به صنف وسویهٔ آنها نیز تفاوت می یابد چنانچه تربیهٔ انسانهای مختلفی که در بین مدنیتی زیست نموده اما از حیث صنف وسویه اختلاف داشته باشند باهم متفاوت میباشد یعنی طوریکه تربیهٔ انسان نظر به محیط عمومی (محیط طبیعی واجتماعی) که به آن تطابق مینماید تغیر میکند نظر به محیط خصوصی (محیط مسلکی) نیز تغیر می پذیرد ، تربیهٔ یك شخص فنی با تربیهٔ عمله فرق کلی دارد ، چه آماده شدن عمله بایك تحصیل محدود عملی ومسلکی صورت گرفته میتواند در حالیکه انطباق یك عالم به مسلکش محصول سالیان درازی میباشد .

خلاصه ، تربیه عبارت از حادثهٔ است که در اثر آن ذو الحیات به محیط خود انطباق می نماید پس تربیه شرط تطابق وواسطهٔ تکامل میباشد

تربیه وجمعیت

در فوق حادثهٔ تربیه را علی العموم از نقطهٔ نظر ذو الحیات تدقیق نمودیم

اکنون میخواهیم منحصراً از نقطهٔ نظر انسان وجمعیت ایضاح نمائیم ،

انسان در بین محیطی که مرکب از طبیعت وجمعیت است متولد میگردد ، طبیعت متشکل از اقلیم ، اراضی ، کوها ودریاها ... وجمعیت محتوی لسان ، عرف ، عادات واخلاق ... میباشد . انسان در بین این محیط با اشیا وسائر انسانها در تماس است و به تاثیرات آنها معروض میگردد ، وجهت ادامهٔ حیات خود کوشان است که خود را به آن اشیا ویا آن اشیا را بخود تطابق بدهد . از سرما گرما ، باد ، باران وسیل خود را حفظ کند ، بندها وپلها سازد ، مرداب ها را خشك نماید ، نهرها کانال ها وسرزمینها بوجود بیاورد . ونیز لسان عادات واخلاق جمعیت را بیاموزد ، تقلید نماید در نتیجه خود را به جمعیت وجمعیت را بخود متشابه سازد .

انسان در اثنای این تأثیر وعکس تاثیر ، بواسطهٔ یکمسه اعتیاداتی با محیط خویش سازش مینماید که این اعتیادات عبارت از تربیه است ، پس تربیه عبارت از مجموع اعتیاداتی است که انسان از محیط خویش فرا گرفته است ، این تعریف محتوی معنای وسیع تری است ، واین نوع تربیه به صورت طبیعی یعنی خود بخود انجام میگیرد ، واز این نقطهٔ نظر میتوان گفت که تربیه بمانند تغذی وتنفس ، یك حادثهٔ طبیعی میباشد .

جهت تطابق انسان به محیطش ، تنها این تربیهٔ طبیعی کفایت نمیکند ، اگرچه انسان با قوائی که مستعد برای تطابق به محیط است به وجود می آید ودر او سرمایهٔ عضوی وروحی مستعد به تکامل وجود دارد ، ولی این سرمایه هنوز بکار نیفتاده ومطابق به محیط انکشاف نکرده است ، در این اثنا وجود ضعیف وذهن بحالت خمود وعاری از معلومات میباشد ، در این آوان اگر انسان بحالت خویش گذاشته شود نه بحفاظت خود مقتدر ، ونه برای زیستن در بین جمعیت آماده بوده ، و با لنتیجه دچار فنا و نیستی میگردد پس در ینحال انسان برای ادامهٔ حیات وانطباق به محیط ، بمعاونت سایر انسانهای که باتجربه تر وروشن تر باشند محتاج است طوریکه تمام انسانها بواسطهٔ انسانهای دیگری که قبلتر از آنها بدنیا آمده اند پرورش وبزرگ شده اند .

انسان مخلوقی است اجتماعی ، واز نیرو مخصوص ، ودوع جمعیت میباشد ، واز همین جهت است که ابوین ، اساتذه ومعلمین برای تامین انطباق طفل به محیط ، مداخله نموده از یکطرف وجود عاجز طفل را حمایه وپرورش میکنند ، واز طرف دیگر استعدادهای روحی اورا تنبه وانکشاف میدهند ، تا جسماً بزرگ وروحاً مدنی گردد پس این وظیفهٔ تعلیمین که از طرف ابوین ویا بالعموم از طرف مربیون ایفا میگردد نوعی از تربیه است ، وبدین معنی تربیه عبارة از این است که مربیون فرد را بمحیط تطبیق دهند .

تربیه دایماً در بین یك محیط انسانی به عمل آمده ، ودر عین حال محتوی غایه های انسانی نیز میباشد ، فکر تربیت همیشه با فکر انسان وانسانیت مترافق بوده است ، اگرچه تربیت در بین بعضی از حیوانات نیز وجود دارد ولی تربیهٔ که در بین این حیوانات است با تربیهٔ که در بین انسانها میباشد مغایر است .

ادبیات

(33)

آواره

جاده های از یخ پوشیده در روشنائی سرد ماه ، مستانی می درخشد وباد سردی شاخهای منجمد درختان را بلرزش آورده ودلهای عابرین را تکان می دهد ... بلا اراده از خانه خارج شده براه می افتم وآنجا در عقب دیوار بلندی که روشنائی سرخ پنجره آن حصهٔ از جاده را روشن کرده است توقف میکنم و بصدای آشنائی که دل من از آن تسلی می یابانی را می ادهٔ بارامی گوش میدهم ... نزدیك صبح در حالیکه پاهایم بی حس شده بسوی منزل باز میگردم ....

شب برف بیهم فرود می آید ومردم از عبور و مرور خود متوقف شده اند خیو شانه در کوچه های شهر می گردم وبدیوارهای منازل گوش می نهم زیرا بر ندهٔ زیبای من آشیان را عوض کرده است .

بنابران جستجو می کنم صدائی را که از شنیدن آن سر تاسر وجود من چون تارهای موی کسی از هم می پاشد ومن دران پاشیدگی به لذت زندگی هم آغوش میگردم . خیلی وقتها ست که من با غم آشنا هستم ودرد از خوشی بیشتر موجب تسلی من است .

وقتی بخانه باز میگردم بالایوش من باورق ضخیمی از برف پوشیده شده میباشد .

گاهی شهر را یکلی ترك داده واز آبادی ها دور می شوم وبر بر درخت برهنه که روستائیان تمام شاخه های آن را بریده اند می نشینم وبه اندیشه های خویش فرو میروم بگریستن آغاز می کنم اشکها یم بر بدن افتاده ویخ می بندد وقتی به آن خیره می شوم می بینم که ماه آنرا چون شیشه های سپید متجلی ساخته ومن میتوانم در هر قطرهٔ آن آسمان باعظمت وماه وستارگان را تماشا کنم .

از دور آوازی شبانی که در آغل زمستانی گوسفندان خود کنار آتش نشسته است بگوشم می آید ومن تصور می کنم که این نغمه بمن می گوید ای آواره دوست داشته باش تا چراغ عشق برای همیشه قلب ترا روشن وغم شیرینی ، هماره ترا خوشبخت داشته باشد آن تسلی را که در آوازگی می جوئی از عشق می یابی .

هنگامی که سوی منزل مراجعت می کنم می بینم آن تسلی شیرین و مجهول در سر تاسر دل من گم مانده است .

مترجم ن . ك

بحر ، جلگه یا کوه

(34)

فشار هوا اساس صحت و تندرستی بوده و می بایست دایم آنرا در نظر داشته مراعات نمود ونیز برای گذشتاندن ایام تفریحی هم باید این موضوع را فراموش نه نموده محلی را که موافق بوضع صحی شما باشد انتخاب نمائید

در انتخاب اقامتگاه ومحل از نقطهٔ نظر اقلیم خواه بمنظور معالجه ویاخواه برای تفریح واستراحت باشد مراعات بعضی عوامل مثلاً حد اوسط - ارت رژیم بادها و طوبت هوا ، ترکیب کیماوی ، و پولوژی آن صافی هوا اندازه روشنی ، نوعیت زمین و نباتات و غیره لازمی است .

اما از تمام این عوامل مهم ترین و برجسته ترین همانا مسئلهٔ ارتفاع از سطح بحر وفشار هواست .

آیا برای تفریح واقامت خود سواحل ها ، بحر ، جلگه ، کوه ، کوهای بلند کدام را اختیار کرده

جلگه

بحر

طبیعی است که انتخاب این جاها مربوط به شخص ووضعیت جسمی آنست .

در کنار بحر ، در سطح وکنار بحر فشار هوا می باشد تقریباً مساوی به ۷۶۳ ملی متر از ارتفاع سیماب میباشد طبیعی این هوا هوائیست متراکم که در هر لیتر آن (۰٫۳۵۹) گرام اوکسیژن موجود است که در نتیجه در هر دم فرو بردن مقدار زیاد اوکسیژن داخل شش ها میگردد در این نقطه هرچند تنفس تسبتاً زیاد متواتر نیست اما فراخ ووسیع می باشد بناء علیه بعض هم بطی است فراوانی خون فوق العاده بوده فعالیت شش ها کم می باشد ، چنین یك اقلیم نتایج مسکن و نیز وجش داشته اما برای اشخاصیکه به تنفخ ریوی و غیره امراض قلبی ورو ما نیز م مبتلا هستند بر حمت در زیر چنین یك فشار زیاد مقاومت می نمایند ولی آنهائیکه به سل ریوی مصاب میباشند این اقلیم سرا سر موافق بحال آنها است .

دهلکانو لارښوونکی

دښاغلی نور محمد تره کی ترجمه

دنشر یاتو ادارهٔ مدیریت رالیږنه

(35)

دیباچه

پخپله مصنف به کچنیوالی دا دول کتابونه لرو حس کړی او بیا چه په عالی ښوونځی کښې به تحصیل باندې بخت او بیا دملائی په کاروبار کښې لګیاسو نو دا راز کتاب لرو ئې چه دهلوانانو او هلکانو دنفس و عفت اوپا کوالی دپاره خدمت وکولای سی ، زده کښې ور تیر سو او ۲۸ کاله لمری تردې ئې داعیه پیدا کښې تینګه کړه چه که خدای تعالی دی ، دې خدمت باندې بریالی اوقدره کی نو هر څه چه لری او سپله توله علاقه به پیدې برخه کښې ولګوی اوهغه وخت چه دې خیال په انجامولو کښې دې کتاب ضرورت ئې لرزده شه واك سو او دیر بختوالی ومشغولیت دده په مقصد کښې مانع وه کرزیدی ، ئې دز لیانو دپاره یو کتاب ولیکی او ورو سته له مفید چنو هلکانو دپاره ئې دې کتاب په لیکلو باندې کوتی پوری کړی ، هر څوك چه خپل کچنی وال وربرزده او یا وسنی کچنی والی ته په زوره کته وګوری و بله شکه اوشبهی به دې کتاب په لزوم باندې باور وکاندی که زه دې خدمت په ادا کولو کښې موفق شوی یم او یا می نری ، دې پر مونږ تباغلی ویو کی او نور په یوه هېښی که می قصور یکښې کړی وی نو هیله کړم چه تر قصور دا تیرسی ، مورږ پلاروا دبی نقادان باید ویو هېښی چه دا کتاب دهلکانو دپوهولو دپاره لیکل شوی دی نو په اوی لاس په نسا ده او وا ضح ژبه او کلماتو باندې لیکل سوی ، ئې او محض دې دپاره چه دهلکو په دماغو کښې به نه دول کښې نو نه پوازی مو لحا ن د داسی عبا راتو له لیکلو څخه چه مقصد نه لحنی ښکاره کیږی لاس اخستی دی بلکه په قصده مو به لحنو لحنو لیکو کښې مهم اودرانه مطلوبه تکرار کړی دی ، مقصد له دی کتابه څخه دادی چه هلکان ئې دوائي اوباتي مندی ژبلرو نه ورته ولولی به یوغای کښې که بلارو بریښی چه هلك به اوس داسی سوال راخخه وکی چه دحیرانی موجب به کی نو باید هلك تهوبل سی چه دا کتاب تر تامید پوری صبرو کی دهر راز سوال جواب

به پخپله واروی که څه هم دا کتاب دهلکانو دپاره دی خو پرته خوق نرلودی اوپوهه انانو به هم تاریخ تو لیکنه ئې کړی ، دمطالعی دپاره دی دا دول کتابونه ور کول چه دهغه مطالب پوهیدلو پوری اړه ولری خو را خطا کاردی چه کتابونه لیکه نور ادبی کتابونه دتقدم او تاخیر لرو لری او نور پوی اندازی پوری ئې دمطلب پوهیدل به پخوانیو مجلاتو پوری اړه لری خو دې کتاب په مطالبو پوهیدل دمابعدو کتابونو پوهیدلو پوری اړه لری . که کچنی دا کتاب دهلکانو له اعتبار تر سره مهم واقع سی او مندی ویاړو نه ئې له زده خوبس کی اودې دهلکانو دسعادت عامل وبل سی نو مصنف اصلی مقصد به تر لاسه سوی وی .

سیلو انیس استال دفبلا دلفبا او سید وتکی

دهلکانو لارښوونکی

تر یوه میاشت دیره موده کیږی چه کلالی هر ماریکر خو دفقی په دیره مینه اوادب د کچنیانو دتعلیم د کتاب په لوستلو باندې بخت دې یوه ورځ چه له ښوونځی څخه کورته راغلی دخپلی مور په خونه کښې ئې یوه زده ښځه ناسته ولیدله اوپو ودکی ئې هم په غیږ کښې دې کلالی ته ئې وویل چه مننه ودو کی دده خوږ کیږی لمکه چه کلالی دیر لمبرك او هوښیار هلك دی نو به خوشحالیا اوتحیر سره دخپلی مورو خوښی ته ورننوت اومه وخت چه یوازی سواو نورخلك له خونی وو تل نو کلالی پوښتنه و کړه چه دا کچنی له کیه راغی ، له دې جهته د کلالی مورو پلار له ماخخه غوښتنه و کړه چه دده دپوښتنی جواب زه باید ور کړم نو دادی چه زه دده د جواب په لیکلو باندې پیل کوم ؛

ګرانه کلالیه !

ستا دپلار له خوا یو وفه راته رسیدلی ده چه باید خو ورځی هر ماریکر ستا سره دزړه اودا هو مجلسو به ضمن کښې تاویوهم چه خدای شر نګه چه دهلکی پرمخ باندې مخلوقات پیدا کړی دی ، دا بیرتا اوشولورو موجوداتو به سبب پخپله نیم در تلای او دې چه پلار دی هم راضی سوی دی چه هر ورځ یوله او کچنی مکتب درته ولیکم

درجلگه ، جلگه دارای فشار متوسط بوده و برای اکثریه اشخاص موافق می باشد ، به همین منظور است که در جلگه ها اجتماعات زیاد تر بوده واقامت نسبت سایر نقاط مطبوع تر است . گذشته ازین درجلگه ها بادهای تند وشدید وجود نداشته آب وهوا معتدل بوده زحمت وفعالیت تنفس کمتر میباشد ، که در نتیجه تمام اینها برای تسکین اعصاب ورفع کم خونی وضعف کمك ومعاونت می نمایند ، خلاصه جلگه ، یگانه محل مناسبی برای حال نقاهت امراض دوران خون ، برونشیت ، امراض قلبی میباشد .

در کوه ، ارتفاع هرقدر زیاد شده میرود فشار هوا برعکس کم میگردد وباآن وزن اوکسیژن درهر لیتر نیز تقلیل می یابد بناء علیه می بایست قوت وکار تنفس و دوران خون زیاد شود برای گرفتن همان اندازه اوکسیژن که در سطح بحر گرفته میشود می بایست بیشتر وسریع تر تنفس نمود تعداد کلو بیول های سرخ هم در خون زیاد میشود .

چترین نقطهٔ ارتفاع از سطح بحر در این ترتیب می توان اندازه کرد که در ارتفاع ۵۰۰ متر فشار هوا ۷۱۴ ملی متر در ۱۰۰۰ متر ۶۷۰ ملیمتر در ۱۵۰۰ متر ۶۲۹ ملی ویه بالاخره در ۲۰۰۰ متر ۵۹۵ ملی متر است . ارتفاع متوسط از سطح بحر یعنی (بین ۴۰۰ و ۸۰۰ متر دارای خواص نیك ومفید بوده وبر علاوه باعث تزئید اشتهاء ، تحریك عمل ریوی) ازدیاد ارژی قلبی واز دیاد کلو بیول واصلاح افتشاش اعصاب میگردد ، در ارتفاعات زیاد از سطح بحر مثلاً (هزار متر وبالاتر) از آن فشار ضعیف هوا باعث فقر اوکسیژن برای اعضای بدن گردیده زحمت زیادی را برای تعادل وموازنهٔ جسمی ایجاب میکند که تنها اعضای قوی و نیرومند می تواند از عهدهٔ آن بدر آید . برای اقامت درچنین نقاط تمرین های سپورتی معین ویك غذای مقوی نتیجهٔ مثبت ونیکی میدهد . اما فراموش نباید کرد که اشخاصی را که به امراض قلبی مبتلا هستند ویا مسلو لینی را کفریب است خون بیندازند از چنین جاها دور داشته باشید .

شریف ومهذب هستم ، ومن قسم یاد میکنم که تو هستی اثر پرتو ، جهوهٔ تو ووضعیت وحرکات تو ، روح بلند تو ، صفات نژاد وبالا ساخته است . بعد از آن به چوکی خود تکیه نموده وبه طرف سبزه ها ئیکه که به شعاع آفتاب منور بود وجوان از سر آن گذشته بود دیده وآه میکشید .

بخود میگفت ، عجب واقعه ! کس بدین زودی گرفتار عشق بلا میشود ! من هنوز آن جوان را با تمام خوبیها و کمالاتش چنان تصور میکنم که بلطافت وظرافت مخصوص خود به پیش نظرم حرکت میکند .

اولی وبا از ان اشخاصی نبود که یکار نشسته آه بکشد ، او بحکم کردن وحاکم بودن شخص عادلی بود پس اگر میدانست که آن جوان بی فائده مانده عطف توجه اورا به آقای خود التجا می نمود ، حالا دلش را بشعاع عشق خود منور نموده پس باید که از رفعت ملکه گی خود تنزل نموده طالب او گردیده وعشق خود را باو اظهار نماید . جوان عشق اورا بخواب وخیال هم تصور نمیکرد .

پس مالوالیو را خواسته وگفت که عقب آن جوان بخلق قاصد دیوك دویده برو . واین انگشتری را که بدین مقصد گذاشته که من باید ستناً این را بپذیرم پس بخودش بده . وگو که من سزاوار گرفتن این نیستم واین را قطعاً قبول نخواهم نمود .

وهم از و خواهش نما که بادار خود را به اینچنین امیدهای غلط خوش نسازد وباو بفهماند که من برای او نیستم ، وبقاصد بگو که اگر خودت فردا اینجا بیائی دلیل آنرا برایت خواهم گفت . در ست فهمیدی مالوالیو ؟

مالو الیو به این رفتار بی بی خودخورسند نگردیده وهم به موظف شدن باین وظیفه راضی نبوده ، بلی گفته روان شد .

اولی ویا بباغ خود قدم زده گاهی ازین وگاهی از آن بوته بدون ضرورت گل میچید

فکر میکرد وفکر میکرد که آیا این واقعه کجا خواهد انجامید . این عشق ست ، او عاشق شده ؟ یك جوان یك نوکر که اورا هیچ نمی شناسد (از او هیچ نمیداند) بغیر از رتبهٔ ناچیز وگفتار صادقانه وشخصیت بلند ووضعیت وقارانه اش باین اندازه متصور بود که قلب او را مسحور انه گرفتار محبت خود گردانید . آن دلی که همیشه از تصور عشق آزاد بوده و از غایت بی علاقگی به محبت ومصدر تمام تکالیف وبدبختی دیوك گردیده بود .

میگفت افسوس این اشعار را که به نثر ترجمه شده می تواند .

میگفت نمیدانم که چه واقع خواهد شد ومیترسم که چشمهای من قلب و دماغ کرا فریب خواهد داد ومشکلات را تخفف نما .

تقدیر اقتدار خود را ظاهر نما که ما نمیدانیم ! چیزیکه مقدر است میشود واقع خواهد شد وبوقوع آنرا می بینم .

بجز اینکه مسئولیت را بر تقدیر بگذارد چیز دیگر اورا تسلی ساخته نمی توانست بعد از ان بخانهٔ خود رفته ، ماریا را صدا نمود تا رختهای اورا آورده وبپوشیدنش باو معاونت نماید . ماریا بی بی خورا به تفکرات ومعزونیت عجیب دیده بود اورا فوق العاده محزون یافت بزیرکی دریافت نمود که قاصد عجیب وغریب دیوك سبب این همه آلام نا گهانی او گردیده است .

وقتیکه ویولا بطرف خانهٔ دیوك روان بود آواز قدم های را که بسرعت از عقب او می آمد ویك آواز ایستاده باش شنید . وقتیکه روی خود را گردانید همان ناظر قد دراز خانم را که فیلاً او را رهنمائی کرده و بحضورش رسانیده بود دید که به نزدیکش رسیده ایستاده شد . بعد از ان گفت شما تا همین لحظه بهمراه بی بی من نشسته نبودید ؟ ویولا گفت تا همین لحظه نشسته بودم مالوالیو گفت این انگشتری که از عقب خود گذاشته اید بی بی من پس بخود شما فرستاده ، و باید که شما مرا دیگر زحمت ندهید واینرا پس بگیرید . بی بی من گفته کاشا باید بادار خود را به اینچنین وعده های غلط وبی اساس امیدوار نسازید من به این انگشتری را قبول کرده ام ونمیکنم ونه کدام عطیه یا پیغام اورا می پذیرم . مالو الیو هنوز انگشتری را بدست خود نگرفته سخن خود را بقهر ادامه داده گفت یك چیز زیاده تر نیز گفته که شما باید به اجرای وظیفهٔ قصدی او دیگر نیائید . بجز اینکه فردا بیائید وخبر رسیدن انگشتری را بیارید .

ویولا انگشتری را بدست خود آن طرف کرده وفکر کرد که اگر آنرا نگیرد یا بدون مضایقه بگیرد راز کونتس مذکور را افشا ومقصدش را به نزد ملازمینش آشکارا خواهد نمود . بدین واسطه گفت ، که خودش انگشتری را قبول نموده وازمن گرفته من قطعاً این را باز نمی گیرم .

مالوالیو که هنوز انگشتری را بدست خود آویزان گرفته بود . آنرا به پیش روی ویولا افگنده و گفت آقا شما این را بدون رضایش آنجا گذاشتید حالا خودش برای شما فرستاده و گفته که باید این را بگیرید اگر لیاقت غم شدن وگرفتن را داشته باشید اینکه به پیش پای شما افگنده شد ، واگر نداشته باشید بگذارید پدش که خود بادار تان آمده و آن را از زمین بر دارد . این سخنان را گفته وغم غم کنان باز گشت وبخود میگفت ، لعنت بشخص احمق که یك آدم باشان وشوکت عقب او دویده ویك چیز نفیس را به او بدهد واو قبول نکند ویولا انگشتری را بر داشته بطرف نگین شفاف آن دیده دانست که این پیغام عشق ومحبت صاحبش بود که به او فرستاده دماغ این زن بیغام بدون تکلم آن زن را بدرستی درك نموده مقصد رابخوبی فهمیده سرخود را شور داده وبخود گفت این چه معنی دارد . خانم من هرگز انگشتری به نزد تو نگذاشته ام تقدیر از ین سعادتی که مطابعت امریك خانم را نموده میتوانم محروم گردانیده اومرا بنظر خوب می بیند ودوست میدارد .

ترجمهٔ آژانس اخبار فرانسوی — ترجمهٔ بناغلی واجد

(36)

دنیای جدید و دنیای قدیم

جزر و مد اروپا و امریکا

روزنامهٔ فیگارو درشمارهٔ ۱۲ جنوری خود مقالهٔ را از قلم آندره سیگفر یدتحت عنوان اروپا و امریکا نشر نموده که نقاط عمده وتبصره دار آن قرارذیل است:

مامر دمان اروپا امروز احساس میکنیم که یك اقلیم وآب وهوا ای نوی برای عالم دارد موجود شود وطور زمانه تحول عجیبی بخود بگیرد.

این کیفیت راهمه درك توانسته ایم.اما برخلاف اجداد خود، دیگر ما فکر کرده نمی توانیم که آیندهٔ بهتری داشته خواهیم بود یعنی به آیندهٔ بهتر برای خود چندان طوریکه اجداد ما به آیندهٔ خود مطمئن بودند خوش بین نیستیم این بد بینی نسل موجودهٔ مردمان اروپا یك چیزی واضح است .اما باید گفت این بد بینی مال دنیا قدیم مخصوص اروپا است نه مال دنیای جدید یعنی امریکا در دنیای جدید این بدبینی موجود ندارد. این ادعا رامی توان باسانی توضیح کرد. اگر درست غور رشود واضح می شود که در اروپا در مجادله برای حیات جزر حکمفرما ست و آن جزر این است که تولید نمودن وازنو به وجود آوردن متشکل شده وبیشتر کوشش می شود آنچه باقی مانده قسمت و تقسیم شود. چنانیکه اموال و اسباب یك منزل متروك مشرف ومحکوم به غلطیدن وویران شدن راچور کنندهر کس حصهٔ خود را برای خود برباید. از ینجا ست که بدبینی وسیاست نشئت کرده گویا در اروپا بدبینی وسیاست حکمرانی میکند در امریکا بالعکس مد حکمفرمائی دارد. تولید نمودن وبوجود آوردن هنوز آسان باقی مانده(امانمی دانیم تاچه وقتی ؟) وازهمین ناحیهٔ که امر تولید وپیدا کردن سهل و عملی قیاس می شود در آنجا از تقسیم موادموجوده بیشتر به تولید کوشش می شود. لذا در آنجا خوش بینی وعلم ثروت حکمرانی می کند. پس ببینید تفاوت راه از کجاست تابکجا، بدبینی وسیاست ناخوش بینی وثروت واضح است که وضعیت درینجا وآنجا بکلی از هم متفاوت است.

در اروپا انسان خودش را در برابر یك ثروت ویك منبع ثروت می باید که رو به تمام است ولی در دنیای جدید انسان خود را در برابر ثروتی می یابد که یقیناً به پیمانهٔ موجود، حفاظه شده می تواند یا حتی متزاید هم می شود.

اروپا به تاسی از مثال رو سیه انفرادیت (اندیویدوالیسم) و لیبرالیسم (و حریت خواهی) را دارد ترك گوید ودرین راه تا جائی قدم فرا خواهد گذاشت که ملکیت خصوصیه را عملا به فائدهٔ اصول ادارهٔ متمایل به سوسیالیستی انکار ولغو کند. اروپا شاید دراستقامت چنان نشیبی پائین بیاید که قدیمی ترین عنعنات خود را زیرپا کند و نقیض آن عنعنات وعادات را قبول نماید ولیك امریکا عقیده نمی کند که هنوز مجبور نشده کار فرمائی ودستگاه خصوصی، تشبث ورقابت ربعبارت مختصر حتی روح سرمایه داری را ملغی و مترك بشناسد.

امریکائیان از یك انقلاب تخنیکی یك انقلاب اجتماعی استخراج کرده اند وازهردو انقلاب یك دیموکراسی حقیقی رابدست آورده اند. روس ها از یك انقلاب اجتماعی یك انقلاب تخنیکی استخراج نموده اند واز هردو انقلاب یك قوهٔ اقتدار جهانی استخراج کرده اند. نویسنده راجع به تحولات اجتماعی اروپا تنقید کنان مقالهٔ خود راچنین خاتمه میدهد: من ازخود سوال میکنم که آیا وقت آن نیست که اروپا محتاج است خود راتجدید کند و برای این تجدد از نقطهٔ نظر تخنیکی واجتماعی به منابع روحی قدیمی وعنعناتی خود مراجعه نماید؟

تعیین وقت رفت و آمد سرویس

(37)

بین کابل و دهمزنگ

طوریکه قبلا اعلان شده سرویس بین کابل و کارتهٔ ٤ دهمزنگ سرویس شهری مقرر شده است از تاریخ روز شنبه ۲۲ عقرب برفت وآمد آغاز نموده ۱ نون وصوف بعضی تبدیلاتی بحرکت موترهای سرویس وارد نموده که به تفصیل آتی است

حرکت از ستیشن عمومی کابل معاینه خانهٔ مرکزی حرکت از ستیشن عمومی دهمزنگ

۱ - ساعت ۰ - ۰	۱ - ساعت ۰ - ۵ - ۸
۲ - ساعت ۱۵ - ۱	۲ - ساعت - ۱۰ - ۸
۳ - ساعت ۸۲	۳ - ساعت - ۴۰
٤ - ساعت ۴۵ - ۸	٤ - ساعت - ۹
۵ - ساعت - ۹	۵ - ساعت ۱۵ - ۹
٦ - ساعت ۱۵ - ۹	٦ - ساعت ۳۰ - ۹
۷ - ساعت ۱۰ - ۹	۷ - ساعت ۴۵ - ۹
۸ - ساعت ۴۵ - ۹	۸ - ساعت ۰ - ۱۰
۹ - ساعت ۰ - ۱۰	۹ - ساعت ۱۵ - ۱۰
۱۰ - ساعت ۵۰ - ۱۰	۱۰ - ساعت ۵۰ - ۱۰
۱۱ - ساعت ۴۵ - ۱۰	۱۱ - ساعت - ۱۱
۱۲ - ساعت ۱۰ - ۱۱	۱۲ - ساعت ۱۰ - ۱۱
۱۳ - ساعت ۱۵ - ۱۱	۱۳ - ساعت ۱۰ - ۱۱
از طرف چاشت:	
۱ - ساعت ۰ - ۱	۱ - ساعت - ۱۱
۲ - ساعت ۱۵ - ۱	۲ - ساعت ۱۵ - ۱
۳ - ساعت ۳۰ - ۱	۳ - ساعت ۴۰ - ۱
٤ - ساعت ۴۵ - ۱	٤ - ساعت ۰ - ۲
۵ - ساعت ۰ - ۲	۵ - ساعت ۵ - ۲
٦ - ساعت ۱۵ - ۲	٦ - ساعت ۵ - ۱
۷ - ساعت ۴۵ - ۲	۷ - ساعت ۰ - ۰
۸ - ساعت ۳۰ - ۲	۸ - ساعت ۴۵ - ۰
۹ - ساعت ۱۵ - ۳	۹ - ساعت ۳۰ - ۳
۱۰ - ساعت ۳۰ - ۳	۱۰ - ساعت ۴۵ - ۳
۱۱ - ساعت ۴۵ - ۳	۱۱ - ساعت ۰ - ٤
۱۲ - ساعت ۰ - ٤	۱۲ - ساعت ۱۵ - ٤
۱۳ - ساعت ۱۵ - ٤	۱۳ - ساعت ۳۰ - ٤
۱٤ - ساعت ۳۰ - ٤	۱٤ - ساعت ۴۵ - ٤
۱۵ - ساعت ۴۵ - ٤	۱۵ - ساعت ۰ - ۵
۱٦ - ساعت ۰ - ۵	۱٦ - ساعت ۱۵ - ۵
۱۷ - ساعت ۱۵ - ۵	۱۷ - ساعت ۳۰ - ۵
۱۸ - ساعت ۳۰ - ۵	۱۸ - ساعت ۴۵ - ۵
۱۹ - ساعت ۴۵ - ۵	۱۹ - ساعت ۰ - ٦
۲۰ - ساعت ۰ - ٦	۲۰ - ساعت ۱۵ - ٦
۲۱ - ساعت ۱۵ - ٦	۲۱ - ساعت ۳۰ - ٦

(بقیه صفحه اول)

(38)

گذارشات

اسامبلهٔ ملل متحده

تشجیع نمود یکی از روزنامه ها از طرف جنرال آیزن هاور بدان مناسبت نوشت «اگر غیر از من کس دیگری را برای عهدهٔ مذکور نام می بردند من جنرال آیزن هاور نمی بودم واگر اکنون از عهدهٔ عملی خود دست شسته سکرتری جنرال موسسهٔ صلح شوم باز هم جنرال آیزن هاور نه خواهم بود.»

اولین اجلاس اعضای کمیته ضمانت تاروز پنجشنبه به تعویق افتاد درضمن برنز مباحثهٔ عمومی را توسط بیانیه افتتاح کرد ودرضمن آن از کامیابی موسسهٔ صلح تائید کرد و گفت بهترست ملل مسایل را به آنجا بکشانند که موسسهٔ صلح ازقوه کار بگیرد و گفت امیدست انرژی آتوم خادم بشر شود. مالك آن. بیون نیز درخصوص سیاست خارجهٔ انگلستان وارتباطیکه به اسامبلهٔ عمومی آن دارد تعلق میدهد. بایدمتذکر شد که پیدو وزیر خارجهٔ فرانسه اسامبله را گذاشت توسط طیاره به پاریس رفت که در کابینهٔ فرانسه درمباحثهٔ مهم راجع به سیاست خارجی فرانسه شرکت جوید. بعدازختم مباحثهٔ مذکور بدوباره به اسامبله مراجعت میکند. دگاسپاری صدر اعظم ایتالیا گله کرد که باید ایتالیا نیز درمجلس صلح دعوت میشد زیرا اگرچه به پیمانهٔ ممالك بزرگ تلاقی امریکا، روسیه و انگلیس در مصدار به سهیم نیست ولی از چندین ممالك دیگری که در آن دعوت شده اند در حصول فتح حصه دارد بهرصورت شمهٔ از واقعات اسامبلهٔ عمومی را بقسم راپور تاز به خوانندگان گرام جهت فراهم آوری و کمك معلومات شان عرضه داشتم تادیده شود که آیا از مذاکرات آن چه می زاید و برای مجلس صلح چه تسهیلات بارمی آید. مجلس لندن باهراهمیتیکه دارد مجلس صلح نیست ومجلس صلح آن محفلی است که بنام موسسهٔ اقوام متحده (درامریکا) منعقد خواهد شد متحدین می خواهند قبلا مسایل بزرگ ازقبیل کنترول بم آتوم وغیره را در کنفرانس لندن فیصله دارند ومخصوصاً امریکا وانگلیس به کنترول بم آتوم ازهرچیز زیاده تر اهمیت میدهند چنانچه یکی از مبصرین شان اظهار داشت چند نفر گفتیست که چند عدد از آن بم را دریکی از ممالك مخفیانه تعبیه دارد و همینکه بوقت مطلوب توسط کنترول رادیو آن را منفلق سازند دیگر هستی وزنده جانی درمملکت مذکور باقی نخواهد ماند. ازطرف دیگر هنوز ویشنسکی معین خارجه ورئیس هیئت نمایندگان روسیه در کنفرانس مذکور لندن نرسیده است وبه معاذیری از قبیل اتمام شارتوسهٔ حکومت بلغاریا وغیره در مسکو مانده است احتمال میدهند که آرچی بالد کلارك کار وایر هری من سفرای کبار انگلیس وامریکا درمسکو به لندن بروند وازقضایای که معلومات حاصل داشته اند به وزرای خارجهٔ ممالك خویش راپورت دهند و نیز یك خبر تازه تر رساند که ویشنسکی نیز عازم لندن شد. در پایان اینقدر قابل تذکرست که همه منتظر نتایجی می باشند که ازفیصله های کنفرانس لندن بوجود آید زیرا زعمای ممالك بزرگ از خیر انسانیت برای نوع بشر واحترام کامل حقوق دیگران اطمینان داده اند.

امشب

(39)

در رادیو کابل

چهار شنبه دجدی ۲٦
دشیبله ۷ نه تر ۹ بوری
وقیقه - ساعت
۰ - ۷ پنتو لوست
۵ - ۷ کلیوالی سندری، آذر
۱۵ - ۷ سازو آواز، یعقوبخان قاسمی
۳۰ - ۷ کلیوالی سندری محمودخان شرفی
٤۰ - ۷ پنتو خبرونه
۰ - ۸ فارسی خبرونه
۲۰ - ۸ کلیوالی سندری، آذر
۳۰ - ۸ کلیوالی سندری محمود خان شرفی
٤۰ - ۸ پروگرام اردو
۵۰ - ۸ ورونستی خبرونه
۰ - ۹ پاچائی سلام

افسانه نیست

از ریدرس دایجست
ازوقایع پولیسی

(40)

محبوس شب

یك روز صبح در قصبهٔ (سینت اوریه) فرانسه درسنه ۱۸۸۸ قتل عجیب وپر اسراری واقع شده بود.

اندری موفی، یك تاجر، که باخانم خود جهت تفریح درین قصبه آمده بود در شب قبل از واقعه پیش از وقت استراحت برای آب بازی ازهوتل خارج ودرلب بحر رفت، صبح وقت فردای آنشب، شاگرد نانوائی درلب بحر آمده مردهٔ اندری موفی رادر آنجا دید که بضرب گلولهٔ در سرش مقتول شده، جسش عریان ولی البسه اش قات کرده در پهلویش گذاشته شده بود.

وقتیکه شعبهٔ تحقیقاتی جنائی پاریس از قضیه مطلع شد، فوراً به (رابرت لودرو) که یکی ازاشخاص مجرب وبرجستهٔ این کمیته بود تیلگراف نمودند تابه سینت اورسه رفته قضیه را تحت تدقیق بگیرد، درین لحظه رابرت لودرو ودرلوها ور که در دو میلی سینت اورسه واقع است توقف داشت.

لودرو یکی از کوچکترین اعضای این موسسه بود وقبلاً به نسبت شاهکاری های خود درجات جن رفیعی را حایز شده بود، لودرو بمجرد دیدن نقش پائی ظاهر وقیافهٔ مالك آنرا کماحقه تشریحات میداد. وبااگر خاکستر سگرتی را بو میکرد نوع و جنس تنباکوی آنرا می شناخت.

تنها لودرو ازحقیقت واقعه اطلاع میداشت وقتیکه برای کشف موضوعی فرستاده می شد تمامی اطاقهای یك منزل را انچ به انچ تجسس می کرد، هیچ تکهٔ تار ویا سوزن از نظر وی خطا نمی خورد وبسرعت میکند کشف حقایق رامی نمود. درظرف چند ساعت مالك یك تکهٔ را که درمحل وقوع جنایت افتاده می بود کشف میکرد وباحوصلهٔ خیلی زیاد موضوعی راتعقیب میکرد، حوصله ودقت وی در حل بسامسائل قتل نتایج درخشانی رابار آورد.

لودرو حدس میزد که اگر آمرین وی بدانند که کارهایش بسرعت انجام نمیابد ویا بامشقات وتکالیف زیاد قضیه را حل میکند ازشهرتش می کاهد. بناءً رابور های مبالغه آمیزی میداد وعوض اینکه بگوید همچه مسئلهٔ ۵ ساعت وقت گرفت، میگفت در وهلهٔ اول صمت حرکت جانی کشف شد. لودرو اغلباً شب و روز کار میکرد، وقتی که بکشف یك موضوعی مصروف بود برای چندروز شبانه دویاسه ساعت خواب میکرد، وقت دیگر در ظرف یك هفته تنها شش ساعت خواب کرده بود.

در نتیجه اعصابش ضعیف وصحتش خراب شد. بارها دروقت خواب شبانه از بستر استراحت جست زده راه میرفت وآوازها می کشید، مرض (نایت میر) گرفتار وبه اثر آن هنگام خواب مرتکب قتلی شد. لودرو به تصایح اطبا دربارهٔ علاجش هم توجه ننمود.

وقتیکه لودرو به سینت اورسه و بموضع قتل رسید بهت عجیبی بروی دست داد زیرا بکس جنبی مقتول که حاوی چندا صد فرانك بود بیجا نشده بود، باثر تدقیقات چنین معلوم شد که مقتول کدام مدعی ندارد، این شخص ثروت زیادهم نداشت ووارث وی جز از خانمش دیگر کسی نبود، کاشف واقعه قتل را ساعت دوبجه شب اظهار کرد.

بالاخره کلودرو کدام راهی برای حل موضوع نیافت. تفتیش خود را بشدت دنباله نموده و در حدود ۵۰ قوت اطراف ونواحی قتل را گردش کرد وانچ به انچ دربی سراغی متجسس شد، هواهم خیلی تاریك شده بود وبوسیلهٔ چراغ تجسس میکرد که دفعتاً چشمش چیزی افتاد که آنرا می بالید ولی با کمال تعجب وتحیر بان نظاره میکرد، فرداصبح بمامورین پولیس رفته اظهار نمود:

«آقایان بکشف این قضیه موفق شدم، این جا چاپ پای قاتل معلوم می شود که بطور آهستگی ودزدانه طرف شکار خود حرکت میکرد، درپای خود جراب داشت تاآواز پاشنیده نشود. این نشان پای چپ است، واولین مفصل انگشت بزرگ پای وی غایب است، بدون شبهه این اثر پای قاتل اندری موفی میباشد» سپس لودرو پای چپ خود را ازبوت کشیده نمایش دادو گفت «من قاتلم»

اولین مفصل انگشت بزرگ پای چپ لودرو درزمان کوچکی وی ضایع شده بود. نشان پای روی ریگ صدفیصد بپای چپ لودرو مطابقت داشت، همان (نایت میر) که با اثر آن مرتکب قتل شده بود لباس حقیقت پوشید.

لودرو محبوس گردید وبه محکمهٔ جنائی رجعت داده شد وکیل وی که یکی از بزرگترین براهین ودلایل حسی را در تاریخ قانون فرانسه ترتیب داده بود، بوسیلهٔ خواهد وبراهین علمی ثابت نمود که لودرو تنها درشب وهذا میکه مرض روحی وی بروی استیلا میابد خطرناك است ولی دراوقات روز مانند اشخاص نورمال سالم میباشد.

لودرو بحبس دوام محکوم شد ولی این حبس عمری تنها برای شب بود، همه روزه ازوقت طلوع آفتاب الی غروب آن آزاد می بود، ولی مکلف بود تاشبانه به بس حاضر شود.

در ظرف لودرو مدت ۵۱ سال این احکام عجیب را تعمیل نمود تااینکه درسنه ۱۹۳۹ قبل ازسقوط فرانسه یلاشب درمحبس جان داد واز ین تاریخ نجات یافت.

(بقیهٔ صفحهٔ اول)

(42)

محکوم به مرگ

ملبورن، محکمهٔ نظامی آستریلیا در جزیرهٔ (موروتای) (هامانا کا) یکی ازمامورین نظامی جاپان را که قتل یکی از اسیران جنگ آستریلیارا مرتکب شده بود محکوم بمرگ کرد.

(43)

نیهٔ جان کاول گورنر بمبئی

بمبئی، دیروز جان کاول گورنر بمبئی اظهار داشت که مسئلهٔ مواد خوراکه که یك مسئلهٔ عالم شمول بود وبرای اینکه هند ازحیث مواد خوراکه احتیاج خودرا رفع نماید باید آنرا ازممالك خارجه تورید نماید. برای اینکه هند برای همیشه نقیصهٔ کمبودی مواد خوراکه را رفع نماید باید زراعت خود را پیش ببرد. برای ترقی اقتصادی هند ترقی زراعتی آن ضروری است. حکومت هند برای پیشبرد زراعت هند از هیچگونه کوششی خود داری نخواهد کرد. سربازانیکه ازخدمت نظامی مراجعت میکنند در رشته های زراعتی وصناعتی ودیگر رشته های حیات کشوری بکار انداخته خواهند شد.

گرفتاری مظنونین به قتل واختطاف در پدانگ

(44)

باتاویا، دیروز سرباز ان انگلیس در (پدانگ) ۱۰ نفر بومی را که بقتل ۵ نفر واختطاف چندین نفر مظنون میباشند گرفتار کردند.

اعلانات

(45)

روز جمعه لیلام میشود

یك دستگاه مکمل تخنیکی ماشین ورادیوسازی وسامان تخنیکی ماشین وماشین خیاطی واوازم آن و یك دستگاه رادیوسازی بمعهٔ رادیو ها و گروپ های جدید وسامان متعلقهٔ رادیو سازی بروز جمعه ساعت ۸ تا ۱۲ قبل ازظهر بدکان ۲۱ واقع کتاب فروشی لیلام میشود شایقین بموضع مذکور بشتابند (۲۰۹) ۲ر۲

مناقصه

(46)

فدا محمد ولد علی محمد ساکن بشه بغمان برای تعمیر مکتب خواجه مسافر علیه الرحمه یك اندازه سنگ پارچه وخشت پخته وچونه وریگ دریائی وسنگ خشتی وغیره کرآمد مکتب موصوف را تعهد نموده اشخاصیکه خیال مناقصه را داشته باشند بمامورین سرك جدید بغمان باطاق اوراق تعمیرات مراجعه نمایند.

(۴۹۵) ۱

قرارداد با لاپوش

(47)

محمد اکرم خان ومحمد اعظم خان خیاطان ساختمان هشتاد ثوب بالاپوش پیاده های بانك ملی رافرار شرایط جداگانه بشعبهٔ اجرائیهٔ مامورین قرارداد نموده اند داوطلبان الی میعاد تاده روز بشعبهٔ اجرائیه بانك ملی مراجعه کرده میتوانند.

۳-۳ (۴۷۹)

فروش سهم

(48)

شرکت پسرلی یك اندازه سهام جهت فروش آزاد گذاشته اشخاصیکه خواهش خریداری سهم ویاسهیم شدن رابشرکت مذکور داشته باشند درخواست های خودرا الی تاریخ ۱۵ دلو سال جاری بشعبهٔ محاسبهٔ شرکت مذکور بسپارند. (۴۹٦) ۳-۱

سه دکان بفروش میرسد

(49)

سه باب دکان ۲، ۳، ٤ واقع جنوب بازار چوك بازار هرات شهر قندهار را محمد سلم خان ومیر محمد عثمان خان بمبلغ یك لك و ده هزار و چهارصد افغانی خواهش خریداری نموده اند اشخاصیکه خیال مزایده را داشته باشند بریاست زراعت الی مدت بیست روز مراجعه نمایند.

۳-۱ (۴۹٤)

(41)

انیس

نامهٔ دیگرانه

نمرهٔ تیلفون (۲۲۰ مرکز کابل)

شرح اشتراك:

در پایتخت یك سال ۳۵ = افغانی

ولایات ٤۰ = ؟

خارج ۲ پوند

برای شاگردان مکتب نصف قیمت

قیمت اعلان ها را لطفاً بادفتر روز نامه مفاهمه کنید

درمطبعهٔ عمومی کابل چاپ شد